

ظهور ترامپ و تأثیر آن بر کاهش قدرت نرم آمریکا

نویسندگان: حسین فتاحی اردکانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱/۲۴

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و دوم، شماره ۸۲، بهار ۱۳۹۸

چکیده

توانایی به کارگیری منابع قدرت نرم از سوی کشورها به شدت به نوع رفتار و حکمرانی حاکمان وابسته است. بر خور داری از ویژگی‌های دموکراتیک، مشورت پذیری، و کار گروهی از عناصر اصلی یک حکمرانی خوب در حوزه قدرت نرم است. ترامپ با تأکید بر شعار "اول آمریکا" و دارای رویکردهای نژاد پرستی، ضد سازمان‌های بین‌المللی، ضد اسلام و شدیداً معتقد به دیدگاه‌های اقتصادی مَرکانتیلیستی بوده که در تضاد با ارزش‌های قدرت نرم است. این مقاله در صدد ارزیابی وضعیت قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ بوده و به این سؤال پاسخ می‌دهد که سیاست‌ها و عملکرد ترامپ در حوزه قدرت نرم چگونه بوده و کدام عوامل باعث کاهش قدرت نرم این کشور در بین متحدین و جامعه بین‌المللی شده است؟ روش پژوهش حاضر از نوع کیفی و رویکرد آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ترامپ و تیم سیاستگذار وی اصولاً به قدرت سخت و سرمایه‌گذاری در آن حوزه بیشتر علاقه و اعتقاد دارند و در حال قربانی کردن ارزش‌های نرم لیبرالیسم به پای منابع قدرت سخت هستند. اقدامات ترامپ در خروج از معاهدات بین‌المللی، نادیده گرفتن دیپلماسی و رویکرد سخت به مسایل نرم از مهمترین عوامل کاهش قدرت نرم آمریکامی باشد.

واژگان کلیدی:

قدرت نرم، قدرت سخت، ترامپ، نفوذ جهانی، دیپلماسی عمومی

۱- مقدمه و بیان مسأله

از زمانی که آمریکا در سال ۱۷۷۶ اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا از بریتانیا را به جهانیان اعلام کرد، تا هم اکنون که در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ روزگار می‌گذراند، همواره خود را به عنوان یک استثنا در میان ملت‌ها و کشورها تبلیغ نموده است (فوکویاما، ۲۰۰۶، ص ۴۵-۴۴). اما این استثنا گرایی که روزگاری مزیتی قدرتمند و جذاب برای این کشور تلقی می‌شد، امروز دامن گیر این کشور پهناور شده و رنگ و بویی تازه پیدا کرده است. ترامپ چهل و پنجمین رئیس جمهور امریکا است که نوع تفکر و نگاه او به سیاست و جهان، تحولات جدیدی را برای حکمرانی در ایالات متحده به وجود آورده است. او دارای رگه‌هایی از شخصیت کاریزماتیک و رفتار و گفتار پوپولیستی است که وی را به پدیده‌ای نو در سپهر سیاسی آمریکا تبدیل نموده است. بنابراین این رفتار و تفکر نمی‌تواند با ارزش‌های قدرت نرم که مبتنی بر جذب، اقناع و اغوا است تناسبی داشته باشد و در حقیقت نافی آن است. با در نظر گرفتن شعار "نخست آمریکا"، سیاست خارجی او ترکیبی از اجبار، تقابل و رویارویی‌های سخت افزارانه برای دست‌یابی به اهداف مورد نظر امریکا خواهد بود. این عناصر رویکردی سخت افزارانه و به شدت در تقابل با عناصر نرم افزارانه موجود در قدرت نرم هستند. در حوزه سیاست خارجی قدرت نرم، به برون‌گرایی، تعامل، همکاری و ائتلاف در راستای کسب مطلوبیت‌ها تأکید می‌شود. کاهش بودجه وزارت خارجه (wsj، 11/3/2019) و افزایش بودجه نظامی توسط ترامپ نشان‌دهنده بی‌اهمیتی موضوع قدرت نرم و نگاه سخت افزارانه و اجبار گونه او به ترتیبات بین‌المللی و آینده سیاست خارجی آمریکا است. ترامپ اقدامات و سیاست خود را بر اولویت آمریکا در مقابل دیگر کشورها قرار داده است در حالی که جذب و اغواگری مبتنی بر تعامل و همکاری‌های چند جانبه شیوه‌ای متداول و کارگشادر حوزه قدرت نرم می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که اقدامات سیاسی و اقتصادی ترامپ که در راستای رسیدن به اهداف و تحقق شعارهای انتخاباتی و پاسخ دادن به رأی‌هواداران خود بوده است، در برخی از حوزه‌ها موجب از دست رفتن نفوذ این کشور در دیگر حوزه‌های قدرت نرم شده است. به طور مشخص برخی از سیاست‌ها و اقدامات ترامپ در حوزه‌های محیط زیست، مهاجرت، عدم پایبندی به معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی، نادیده گرفتن اصول مسلم حقوق بشر، اسلام ستیزی و نژاد پرستی باعث شده است قدرت اقناع‌گری، توجیه‌سازی، جلب همکاری و جذابیت‌های بین‌المللی این کشور از دست برود و تردیدهای جدی در مورد منابع و ابزارهای قدرت نرم این کشور به وجود آید. ارزیابی موضوع افول قدرت نرم آمریکا از



آن جهت قابل اهمیت است که این کشور پیشتاز معرفی و به کارگیری این نوع قدرت بوده و جوزف نای که مبدع و مهمترین نظریه پرداز قدرت نرم این کشور می باشد اکنون به یکی از منتقدان اصلی قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ تبدیل شده است. نای معتقد است بی‌علاقگی ترامپ به دیپلماسی عمومی که یکی از ابزارهای مهم قدرت نرم است و افزایش بودجه قدرت سخت باعث افول قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ شده است (Nye, 2019). از سوی دیگر کاهش و افول قدرت نرم آمریکا به خصوص در دوران ترامپ اثر مستقیمی بر آینده و سیاست‌های جهانی این کشور خواهد داشت و اثر پذیری دیگر شرکا و متحدین آمریکا از این موضوع بازتاب وسیعی در سطح جهان و سیاست‌های بین‌المللی موجود دارد. به همین دلیل ارزیابی قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ می‌تواند نوعی تعیین دستور کار و چارچوب مطالعاتی راهگشای تصمیم‌گیران در حوزه‌های قدرت نرم و هوشمند در دیگر کشورها برای اتخاذ تصمیمات مناسب در این حوزه باشد. بنابراین، این مقاله در صدد ارزیابی وضعیت قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ بوده و به این سؤال پاسخ می‌دهد که سیاست‌ها و عملکرد ترامپ در حوزه قدرت نرم چگونه بوده و کدام عوامل باعث کاهش نفوذ و افول قدرت نرم این کشور در بین متحدین و جامعه بین‌المللی شده است؟ پژوهش حاضر در تلاش است با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی نشان دهد که ترامپ و تیم سیاستگذار وی اصولاً به قدرت سخت و سرمایه‌گذاری در آن حوزه بیشتر علاقه و اعتقاد دارند و در حال قربانی کردن ارزش‌های نرم افزارانه لیبرالیسم به پای منابع قدرت سخت هستند. اقدامات ترامپ در خروج از معاهدات بین‌المللی، نادیده گرفتن دیپلماسی و رویکرد سخت‌افزاری به مسایل نرم از مهمترین عوامل کاهش قدرت نرم آمریکا می‌باشد. به همین منظور در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه قدرت نرم جوزف نای آسیب‌های وارده به منابع قدرت نرم آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ را مورد بررسی قرار خواهیم داد. برای این منظور ابتدا در چارچوب نظری پژوهش، نظریه قدرت نرم توضیح داده می‌شود. در ادامه منابع و ابزارهای قدرت نرم آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با استناد به داده‌های آماری از منابع معتبر پژوهشی، کاهش قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ بررسی می‌شود و در نهایت به برخی از اقدامات و تصمیم‌های مهم دولت ترامپ در کاهش نفوذ و افول قدرت نرم این کشور به صورت تحلیلی پرداخته می‌شود.



۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۱-۲ چارچوب نظری

۲-۱-۱-۲ قدرت نرم

مفهوم قدرت نرم یکی از موضوعات مبتلا به بشری از ابتدا تا کنون بوده است. نمی توان این مفهوم و کاربرد آن را به دوران اخیر محدود کرد. زیرا بخشی از ذات و شیوه اعمال قدرت، به کارگیری روش های هوشمندانه و کم هزینه می باشد که در قرون اخیر از آن به قدرت نرم تعبیر می شود. امروزه باید معنا و مفهوم قدرت را فارغ از تعاریف ابتدایی و سنتی آن یعنی توانایی انجام و یا اقدام به تحمیل اراده خود به دیگران مورد توجه قرار داد و با گذر از این مفاهیم سنتی چهره ای ویژه از آن یعنی نفوذ و تأثیر گذاری نرم را در نظر گرفت. چهره مشهور این نظریه اندیشمند آمریکایی جوزف نای می باشد. وی معتقد است:

«اغلب مشکل است بدانیم در صورت عدم وجود دستورات ما، دیگران چگونه رفتار می کردند. گاهی اوقات ما می توانیم بدون دستور دادن و تنها از طریق تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به نتایج دلخواه برسیم. در واقع، این امکان وجود دارد که بدون داشتن قدرت محسوس بر دیگران، به بسیاری از نتایج مورد درخواست خود برسیم» (Nye, 2004, p50). اصطلاح قدرت نرم را نای اول بار در کتابی تحت عنوان «ملزم به رهبری» که در سال ۱۹۹۰ منتشر گردید به کار گرفت. اما مراد وی از قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم، توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت های دیگران است اما نه با استفاده از تحمیل و تطمیع، بلکه از طریق جذب، همکاری و اغوا (نای، ۱۳۸۷، صص ۴۶-۴۳). در حقیقت قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم توانایی شکل دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به نحوی که تضمین کننده اطاعت و فرمانبرداری آنان باشد. در نگاه نای قدرت نرم از قدرت سخت - به طور خاص قدرت اقتصادی و نظامی که به ترتیب مبتنی بر مشوق ها (هویج ها) و تهدیدات (چماقها) - هستند متمایز می گردد (سعیدی، ۱۳۸۹، ص ۹۰). نای تقسیم بندی سه گانه ای از قدرت را پیشنهاد می کند: نظامی، اقتصادی و نرم. قدرت نظامی و اقتصادی هر دو ماهیتی سخت دارند و قدرت نرم از این حیث با آنها متفاوت است که مبتنی بر توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران می باشد. آن توانایی که تولید جذابیت می کند و منجر به فرمانبرداری می گردد (Lukes, 2007, p90). نای معتقد است قدرت نرم از سه منبع اصلی ایجاد می گردد:

فرهنگ کشور، ارزش های سیاسی که برای دیگر کشورها جذابیت دارد از دموکراسی



گرفته تا آزادی بیان و آخرین آن مشروعیت سیاست خارجی یک کشور، بدین معنا که اگر سیاست خارجی کشوری توسط دیگر بازیگران مشروع شمرده شود، مقبولیت آن کشور بیشتر و اگر عکس آن باشد، درست مانند زمان جورج بوش این موضوع باعث درهم شکستن قدرت نرم آن کشور در نظام بین‌الملل می‌شود (نای، ۱۳۹۰، ص ۵). استفاده از قدرت نرم بسیار کم هزینه‌تر و البته هوشمندانه‌تر از قدرت سخت است. با قدرت نرم اهداف نرم را هدف گیری می‌کنند. در جریان استفاده از این نوع قدرت عناصر زیادی به کار گرفته می‌شوند. گاهی ممکن است از عناصر مادی قدرت که سخت هستند استفاده شود و گاهی ممکن است از عناصر غیرمادی از جمله نفوذ و اقتدار برای وادار کردن دیگران به انجام کارهای مورد دلخواه ما استفاده شود. به هر ترتیب کاربرد قدرت نرم در اندیشه نای توانایی اثر گذاری بر روح و قلب طرف مقابل است به طوری که مانند ما تفکر و عمل کند و دستور کار مورد نظر ما را اجرا نماید.

۲-۲- پیشینه پژوهش

۲-۲-۱- مطالعات داخلی

درباره قدرت نرم آمریکا تألیفات متعددی صورت گرفته است که نشان دهنده اهمیت این موضوع از نگاه اندیشمندان بوده و وجود منابع متعدد قدرت نرم ایالات متحده را بیان می‌کند. این پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف قدرت نرم شامل شناسایی منابع، عناصر، ابزارها و میزان نفوذ و تأثیر گذاری آنها در کمک به سیاست خارجی آمریکا در راستای نفوذ و حفظ سلطه جهانی این کشور صورت پذیرفته‌اند.

نویسندگان (سال) - روش	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته‌ها
سلمان زاده و همکاران (۱۳۹۷) - توصیفی - تحلیلی	راهبرد سیاست خارجی ترامپ چیست؟	رویکرد سیاست خارجی آمریکا از بین‌الملل گرایی لیبرال در دوران اوباما به نوانزوگرایی و واقع‌گرایی در دوران ترامپ تغییر یافته است که ترامپ از منظر گرایش سیاسی و عملکرد اقتصادی نوانزوگراییانه و در حوزه مسائل نظامی و امنیتی کاملاً واقع‌گرایانه عمل کرده است.
آدمی و قرشی (۱۳۹۴) توصیفی - تحلیلی و استفاده از آمار	شاخص‌ها و دلایل افول قدرت نرم امریکا چیست؟	نویسندگان معتقدند اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی ناسازگار با اولویت‌های ارزشی و فرهنگی مورد ادعای این کشور، قدرت افق‌کنندگی آن را رو به افول کشانده است.



نویسندگان	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
مرادی و امانلو (۱۳۹۲) توصیفی- تحلیلی	نشانه های افول قدرت نرم آمریکا چیست؟	این مقاله معتقد است کاهش قدرت نرم آمریکا و افزایش رو به تزاید موج امریکاگریزی و امریکاستیزی بزرگترین چالش ابرقدرت رو به افولی است که خود، قدرت نرم را دستورالعمل مقابله با کشورهای مخالف قرار داده است. همچنین با نگاهی به تصمیمات روسای جمهور پیشین آمریکا، سیر نزول قدرت این کشور به ویژه از دیدگاه قدرت نرم را بررسی می کند.
دلیرپور (۱۳۹۱) توصیفی- تحلیلی	علل افزایش یا فرسایش قدرت نرم آمریکا در نیم سده گذشته چیست؟	نویسنده فرسایش قدرت نرم این کشور را معلول تضاد ایفای نقش رهبری و پیگیری منافع اقتصادی و مصالح سیاسی خارج از کنترل این کشور از یک سو و برخورد با چالش سنت گرایی جهان سومی که به ویژه در عصر انقلابهای موسوم به بهار عربی تجلی بارزتری یافت، دانسته است.
گودرزی و همکاران (۲۰۱۸) توصیفی- تحلیلی	چه ویژگی هایی راهبرد امنیت ملی ترامپ طی سال های آتی را از راهبرد اوباما در فاصله سال های ۲۰۱۶-۲۰۰۸ متمایز می سازد؟	ترامپ با رد سیاست های اوباما تقریباً در تمام سطوح امنیتی درصدد دگرگونی در مکانیسم های راهبردی ایالات متحده برآمده است. مقاله حاضر معتقد است تدوین راهبرد امنیت ملی در چارچوبی متفاوت از چندجانبه گرایی اوباما و عمدتاً در قالب نوعی یکجانبه گرایی تعدیل شده و بر پایه سیاست ابهام و مشخصاً مدل کنشگر دیوانه کیسینجر به مثابه اصلی ترین و جوه تمایز با راهبرد اعلامی از سوی اوباما دلالت دارد.

۲-۲-۲ مطالعات خارجی

نویسندگان (سال) - روش	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
نای (۲۰۱۹) توصیفی- تحلیلی	وضعیت هژمونی آمریکا از ویلسون تا ترامپ دچار چه تغییراتی شده است؟	نویسنده معتقد است اکنون مسایلی چون اقتصاد، محیط زیست و حقوق بشر در صدر توجهات هستند. این مسایل برای همیشه باقی می مانند. نفوذ و رهبری آمریکا در جهان از ۱۹۴۵ همواره وجود داشته است. اکنون دیگر رهبری سلطه نیست بلکه باید مسایل به اشتراک گذاشته شود. آمریکا اکنون با رهبری دارای برتری کمتر و جهان پیچیده تر مواجه است. افزایش سیاست های پوپولیستی در داخل و افزایش قدرت دیگران در خارج آمریکا را تهدید می کند.



<p>نویسنده معتقد است دیپلماسی عمومی دارای تاریخچه ای طولانی به عنوان وسیله‌ای برای ارتقاء قدرت نرم کشور است و قدرت نرم برای برنده شدن در جنگ سرد ضروری است. دیپلماسی عمومی هوشمند نیاز به درک نقش اعتبار، انتقاد خود و جامعه مدنی در تولید قدرت نرم دارد. امروزه دولت های اقتدارگرا از فناوری های جدید سایبری و دیگر ابزارها برای از بین بردن فرآیندهای سیاسی در دموکراسی استفاده می کنند.</p>	<p>نقش دیپلماسی باز تولید شده در قدرت نرم چیست؟</p>	<p>نای (۲۰۱۹) توصیفی - تحلیلی</p>
<p>در این پژوهش به سه روش جذابیت تهاجمی، توهین و انکار دفاعی به عنوان روش های نرم افزاری رسانه ای اشاره می شود. نتایج این پژوهش نشان می دهد که روزنامه چاپنا دیلی با استفاده از روش های فوق ترامپ را فردی ناکار آمد و غیر جذاب معرفی کرده و در مقابل، چین از جذابیت و پویایی برخوردار است.</p>	<p>چه رابطه ای بین گفتمان قدرت نرم و ارتباطات رسانه ای وجود دارد؟</p>	<p>پن و همکاران (۲۰۱۹) توصیفی - تحلیلی</p>
<p>این مقاله به ارزیابی قدرت آمریکا می پردازد و معتقد است که رهبران این کشور باید استراتژی های لازم را تدوین کنند و درک درستی از آینده قدرت آمریکا داشته باشند. معتقد است که پایه های افزایش قدرت در آینده موجود است اما به نظر می رسد درک درستی وجود نداشته باشد.</p>	<p>منظور از قدرت آمریکا چیست؟</p>	<p>کوئین و کیچن (۲۰۱۹) توصیفی - تحلیلی</p>
<p>در این پژوهش ضمن بررسی مقایسه ای از فعالیت های نرم افزاران آلمان از طریق مؤسسه گوته و چین از طریق مؤسسه کنفوسیوس و انتقاد به بی توجهی آمریکا به دیپلماسی عمومی معتقد است که قدرت نرم آمریکا در خطر نابودی بوده و نیاز به یک استراتژی جدید در این حوزه است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که آمریکا باید با سرمایه گذاری بر زبان انگلیسی، فرهنگ متمایز، مسافرت، گردشگری و تجارت برند انحصاری خود در حوزه قدرت نرم را حفظ کند.</p>	<p>نقاط قوت آمریکا برای حفظ و افزایش قدرت نرم خود چیست؟</p>	<p>برت و اسکوفر (۲۰۱۹) مطالعه مقایسه ای روش توصیفی - تحلیلی</p>
<p>بر اساس نظر سنجی صورت گرفته از مردم ۱۵۷ کشور جهان این موضوع تأیید شده است. نوع رهبری در چین، آلمان، روسیه، انگلستان و اتحادیه اروپا باعث افزایش میزان صادرات آنها شده است. این موضوع نشان دهنده اثر قدرت نرم بر میزان صادرات است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که از زمان رهبری ترامپ در سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ میزان صادرات آمریکا ۲۰ درصد و حد اقل ۳ میلیارد دلار کاهش یافته که به نوع رهبری ترامپ و بی اعتنائی وی به منابع قدرت نرم مربوط است.</p>	<p>تأثیر نوع رهبری و حکمرانی مبتنی بر قدرت نرم بر میزان صادرات یک کشور چیست؟</p>	<p>رز (۲۰۱۹) مطالعه مقایسه ای روش توصیفی - تحلیلی</p>



<p>نویسنده معتقد است جهانی شدن و فرصت های ارائه شده توسط غرب به حکومت های اقتدارگرا موجب تضعیف نهادهای بین المللی شده است و آن حکومت ها در آینده تصویر قدرت نرم خود را می بینند. آنها از طریق دستکاری اینترنت، ایجاد نهادهای شبه مدنی و ناظران انتخاباتی و همچنین تبلیغات دولتی پیچیده و رسانه های اقتدارگرا قدرت نرم خاص خود را به وجود آورده اند.</p>	<p>چگونه قدرت نرم به کشورهای دیکتاتور کمک کرده است؟</p>	<p>واکر (۲۰۱۶) روش توصیفی- تحلیلی</p>
<p>نویسندگان معتقدند قدرت نرم به سرعت به قدرتی برای نیازهای امروز و حفظ نظم جهانی تبدیل شده است. بسیاری از کشورهایی که به اهمیت قدرت نرم پی برده اند برای توسعه منابع قدرت نرم کار می کنند. علاوه بر مطالعه علمی به منظور اندازه گیری و مقایسه نتایج تا کنون در بسیاری از کشورهای مختلف شاخص های قدرت نرم بر اساس عناصر قدرت نرم ایجاد شده است. هدف این کتاب شناسایی منابع قدرت نرم و نحوه به کارگیری آن در کشورها می باشد.</p>	<p>قدرت نرم و شاخص های آن کدام است؟</p>	<p>یاسلان و ستین (۲۰۱۶)- کتاب</p>
<p>نویسندگان معتقدند که دام و نفاق در منطق سیاست خارجی آمریکا نهادینه شده است. این کشور سعی می کند از طریق منابع مالی به قلب و فکر افراد نفوذ کند. این مقاله به نقش قدرت نرم در سیاست های مداخله جویانه آمریکا در جهان اشاره کرده و معتقد است آمریکا از قدرت نرم به عنوان یک ابزار پشت پرده برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کند.</p>	<p>شیوه های اجرای قدرت نرم آمریکایی چیست؟</p>	<p>روت و لی (۲۰۱۶) روش توصیفی- تحلیلی</p>

بدین ترتیب پژوهش های صورت گرفته نشان می دهد که ارزیابی دوران حکمرانی ترامپ در حوزه قدرت نرم ضعیف بوده و منبع مستقلى در موضوع این پژوهش محسوب نمی شوند. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش های صورت گرفته در این است که اول اینکه محدوده مطالعه دوران ریاست جمهوری ترامپ است. دوم اینکه مبانی فکری و شخصیتی ترامپ و نوع نگاه وی به قدرت نرم و سخت و میزان اثر گذاری آنها مورد بررسی قرار می گیرد. سوم اینکه سعی شده است با استفاده از جداول و نمودارها سیر افول قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ مورد بررسی و تحقیق قرا بگیرد و چهارم اینکه به صورت مشخص برخی از مهمترین اقداماتی که ترامپ با امضای فرمان های اجرایی و تأکید بر آنها باعث کاهش نفوذ و قدرت نرم آمریکا شده است مورد بررسی قرار گرفته است.



۳- روش تحقیق و شیوه گردآوری داده‌ها

این پژوهش از نوع توسعه‌ای و کاربردی می‌باشد. از یک طرف با ارزیابی میزان قدرت نرم آمریکا دایره اطلاعات موجود را توسعه داده و روز آمد می‌کند و از سوی دیگر با توجه به نتایج ارائه شده می‌تواند به عنوان یک پژوهش کاربردی در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در برابر اقدامات آمریکا چارچوبی مشخص را تدوین نماید. در این پژوهش ضمن توصیف منابع قدرت نرم آمریکا در سطح تحلیل به علت کاهش میزان نفوذ و قدرت نرم این کشور در دوران ترامپ می‌پردازیم. رویکرد این پژوهش از نوع کیفی بوده که در گردآوری داده‌ها از منابع معتبر علمی - پژوهشی اعم از کتب، مقالات و منابع اینترنتی استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- قدرت نرم ایالات متحده آمریکا

بنا به عقیده عده زیادی از اندیشمندان قدرت نرم، آمریکا در این حوزه سرآمد دیگران است. این به معنای اول بودن این کشور - حداقل در حال حاضر - نیست، بلکه بدین معناست که این کشور توانسته است بیشترین منابع، ابزار و عناصر ایجاد کننده قدرت نرم را در خود جای دهد و به نحو مطلوبی از آنها در راستای اعمال قدرت نرم افزارانه و کسب اهداف استفاده کند. این مقدار از منابع به طور طبیعی این کشور را در جایگاه نخست قدرت نرم قرار می‌دهد و دیگران را به سمت خود جذب می‌کند. فریبندگی و اغواگری به سبک امریکایی خریداران زیادی در سطح جهان پیدا کرده است که حاصل کارکرد گرایبی قدرت نرم این کشور است. والت و ایکنبری در توصیفی روشن از قدرت نرم آمریکا می‌نویسند:

«آمریکا از لحاظ قدرت نرم کلاس خاصی دارد. در این زمینه هیچ کشوری دارای امکانات آمریکا نیست. مک دونالد، مایکروسافت، هالیوود و هاروارد نمونه‌هایی از این دست می‌باشند. این نوع قدرت یعنی فرهنگی که از خود شعاع نور را به اطراف می‌پراکند و بازاری که مغزها را جذب می‌کند و بر جذابیت و جاذبه خود تکیه می‌کند، نه هل دادن و دافعه. اتکای آن به پذیرش است نه تحمیل. (شرف الدین به نقل از والت و ایکنبری، ۱۳۸۴، ص ۵۲)». همچنین به طور اجمال می‌توان عناصر و ابزارهای قدرت نرم ایالات متحده آمریکا را در موارد ذیل نیز مشاهده کرد:

۱- جذب مهاجران خارجی

۲- صادر کننده بزرگ محصولات فرهنگی، سینمایی، هنری در جهان همراه با



ستارگان دنیای موسیقی و فیلم (هالیوود)

۳- حضور محققان خارجی در آمریکا

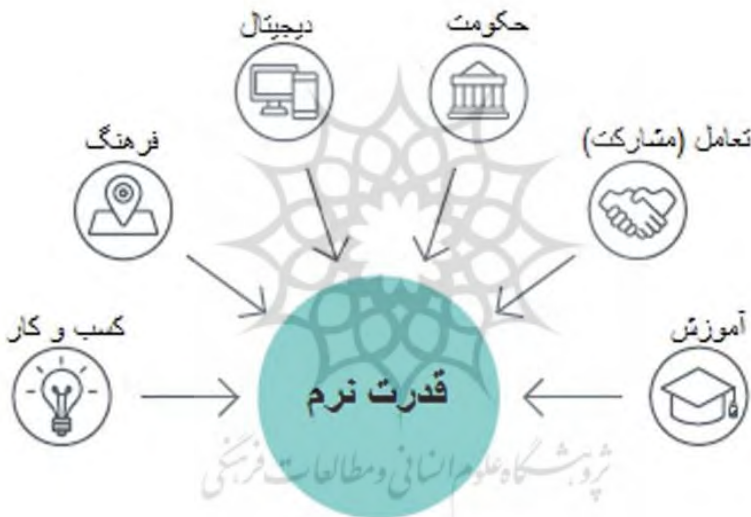
۴- دارا بودن بیشترین کاربران اینترنت

۵- بهره مندی از دانشگاه های برتر جهان

۶- بیشترین تعداد چاپ کتاب، اختراع و اکتشاف در جهان (نای، ۱۳۸۷، ب، صص

۱۳۹-۸۵).

در یک جمله "شیوه زندگی آمریکایی" امروزه طرفداران زیادی را به سوی خود جذب کرده است که می توان آن را مهمترین منبع قدرت نرم آمریکا قلمداد کرد. به همین دلیل است که می توان جذابیت مبتنی بر اغواگری را مهمترین کارویژه منابع قدرت نرم این کشور دانست. شکل زیر مهمترین منابع قدرت نرم آمریکا را نشان می دهد:



شکل شماره (۱) - منابع قدرت نرم آمریکا، (رتبه بندی جهانی قدرت نرم، ۲۰۱۹: ۲۷)

۴-۲- ظهور ترامپ و کاهش قدرت نرم آمریکا

اگر ما بر اساس نظر اندیشمندان، قدرت نرم را محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضا بر دیگران، اراده دیگران را تابع خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ بدانیم (رفیع و قربی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱) به قدرت رسیدن ترامپ، آغازی بر ایجاد تغییرات منفی در حوزه قدرت نرم آمریکا می باشد. شخصیت و رفتار پیش بینی ناپذیر،



متناقض، حساس، و بی‌پروای ترامپ بر تعاملات خارجی آمریکا تأثیر گذاشته است. این امر رهبران خارجی را نسبت به سیاست خارجی آمریکا بی‌اعتماد کرده است (کریمی فرد به نقل از ویکت، ۱۳۹۶، ص ۲۹۲). ترامپ معتقد است که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم با ایجاد نظم بین‌الملل لیبرال یک معامله بد انجام داده است و او به سه دلیل می‌خواهد به این نظم بین‌الملل لیبرال پایان دهد:

۱- آمریکا با ایجاد اتحادهای نظامی تعهدات زیادی را در سرتاسر جهان پذیرفته است.

۲- اقتصاد جهانی مزیتی برای ایالات متحده آمریکا نداشته است.

۳- آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به مثابه یک مرد قدرتمند اما دلسوز رفتار کرده

است (Wright, 2016).

ترامپ که پدیده عصر جدید آمریکا نام گرفته است استثناگرایی جدیدی را به وجود آورده است که هیچ تناسبی با ارزش‌های دموکراتیک و آمریکایی ندارد. به عقیده نای «ترامپ یک واقعیت‌گرای متمایز است که بر تعریف محدودی از منافع ملی آمریکا تمرکز دارد و دموکراسی را به عنوان منبع قدرت نرم آمریکا محو می‌کند» (Nye, 2019, p74). ظهور ترامپ نشان داد که تا چه اندازه این کشور می‌تواند در سراسری سقوط از یک ابر قدرت به یک قدرت بین‌المللی در کنار کشورهایی همچون چین و روسیه آسیب پذیر باشد. او هنوز به رئیس‌جمهوری متعارف تبدیل نشده است اما بسیاری از مشاورانش، کنگره و دادگاه‌ها می‌توانند در هنجارمند کردن رفتار او نقش مهمی ایفا کنند (Larres, 2017, p14). انعطاف‌ناپذیری ترامپ در همکاری و جذب دیگران و تأکید بیش از اندازه بر قدرت اقتصادی و نظامی (نیمه سخت و سخت) در مقابل تضعیف قدرت سیاسی و فرهنگی (نرم) باعث کاهش نفوذ و تضعیف قدرت نرم این کشور در حوزه‌های مختلف شده است. این در حالیست که غلبه یافتن بر قلب‌ها و افکار همواره امری مهم بوده که اهمیت آن در عصر اطلاعات دو چندان شده است (نای، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۷). اندیشکده آمریکایی مرکز یواس‌سی برای دیپلماسی عموم موسوم به سی پی دی، در گزارش ماه اکتبر ۲۰۱۸ درباره کشورهای برخوردار از قدرت‌های نرم، آمریکا را در مقام چهارم قرار داده است. انگلیس، فرانسه و آلمان در رده اول تا سوم این جدول قرار دارند. این در حالی است که در سال ۲۰۱۶ آمریکا در قدرت نرم، از رتبه اول جهانی برخوردار بود (جدول زیر).

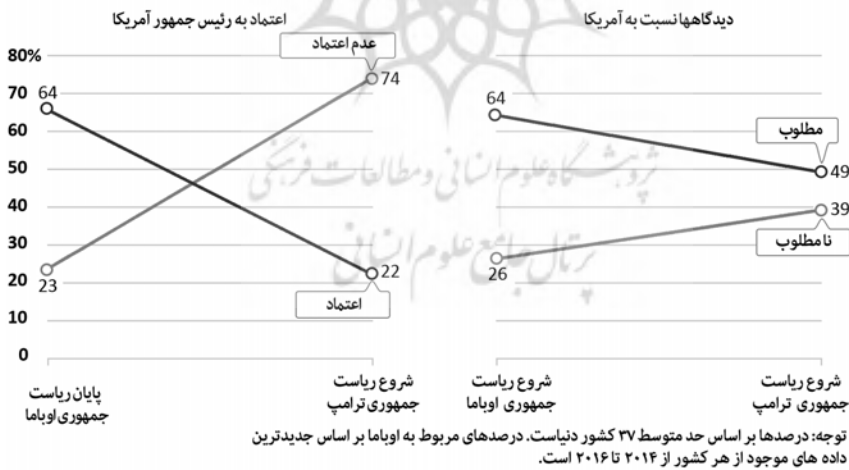


جدول شماره (۱) - افول قدرت نرم آمریکا، (رتبه بندی جهانی قدرت نرم ۲۰۱۹: ۴۰)

رتبه قدرت نرم	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
۱	انگلیس	آمریکا	فرانسه	انگلیس	فرانسه
۲	آلمان	انگلیس	انگلیس	فرانسه	انگلیس
۳	آمریکا	آلمان	آمریکا	آلمان	آلمان
۴	فرانسه	کانادا	آلمان	آمریکا	سوئد
۵	کانادا	فرانسه	کانادا	ژاپن	آمریکا

بر اساس نظرسنجی‌های مرکز تحقیقاتی پیو در ۳۷ کشور دنیا، به طور متوسط تنها ۲۲٪ از مردم دنیا به ترامپ و اقداماتش در زمینه امور بین‌الملل اعتماد داشته‌اند. این را در مقابل واپسین سال‌های تصدی باراک اوباما بگذارید که به طور متوسط ۶۴ درصد ملت‌ها نسبت به عملکرد او در حوزه بین‌الملل ابراز اعتماد کرده بودند (Wike et al, 26/6/2017). در این تحقیقات که یک ارزیابی نسبتاً کاملی از دوران حکمرانی ترامپ می‌باشد، نشان می‌دهد که با رفتن اوباما و روی کار آمدن ترامپ چه تغییرات وسیعی در دیدگاه مردم جهان نسبت به ارزش‌ها و رفتارهای حاکمان آمریکایی رخ داده است (شکل زیر).

اعتماد پایین جهانی به ترامپ جایگاه آمریکا را در دنیا تنزل داده است



شکل شماره (۳) - کاهش اعتماد به آمریکا در جهان،
(پایگاه اینترنتی حقایق آمریکا به نقل از مرکز تحقیقاتی پیو، ۲۰۱۷/۶/۲۶)



ارزیابی عملکرد اوباما و ترامپ در حوزه سیاست خارجی نیز نشان دهنده عملکرد بسیار ضعیف ترامپ در این حوزه و موفقیت اوباما در سیاست خارجی از سوی دیگر است. میزان اعتماد به ریاست جمهوری ترامپ هم نتیجه سیاست‌های او بوده است و هم ناشی از شخصیت وی. سیاست‌های بدعت آمیز و بی سابقه او مخالفت‌های گسترده ای را در سراسر جهان برانگیخته است (شکل زیر) (Pew, 26/6/2017).

مخالفت گسترده از طرح‌های بی سابقه ی ترامپ



شکل شماره (۴) - بیشترین مخالفت‌ها با سیاست‌های ترامپ، (پایگاه اینترنتی حقایق آمریکا به نقل از مرکز تحقیقاتی پیو، ۲۰۱۷/۶/۲۶)

بنابراین در حالیکه قبلاً جوزف نای گفته بود که «قرن بیست و یکم ممکن است شاهد برتری مداوم آمریکا باشد و مسأله مهم این است که تا چه میزان ایالات متحده قدر خواهد بود محیط سیاسی را کنترل و کشورهای دیگر را به انجام آنچه می‌خواهد وادار کند» (نای، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵)، اقدامات ترامپ عملاً عدم اعتقاد او به قدرت نرم و در نتیجه اعتقاد راسخ او به افزایش قدرت سخت و نشان دادن چهره‌ای خودخواه و بی اعتنا به دوستان و متحدان را نشان می‌دهد. این انتقاد را جوزف نای در زمان ریاست جمهوری جورج بوش جمهوری خواه نیز مطرح کرده بود که تحمیل امپریالیستی ارزش‌های یک کشور به کشورهای دیگر ممکن است نه باعث جلب دیگران شود و نه قدرت نرم را به وجود آورد. این همان کاری است که جورج بوش پسر بدان متهم است (نای، ۲۰۰۳، صص ۶۶۳-۶۳). نتیجه خسارت بار اقدامات ترامپ نابودی ارزش‌های نرم افزارانه این کشور بوده است. حتی نزدیک ترین متحدان آمریکا از ادامه رفتارهای تنش آمیز ترامپ در جهان و مناطق حساس و راهبردی از جمله خاورمیانه ناامید شده



اند و نگرانی خود را ابراز کرده اند. رسوایی اخیر مکاتبات سفیر انگلیس در آمریکا که موجب عدم عذرخواهی و استعفای وی شد نشان مؤید این موضوع است.

۴-۳ ارزیابی اقدامات ترامپ

بررسی و ارزیابی اقدامات دولت ترامپ، نشان دهنده کاهش جذابیت، اعتماد، اعتبار، اثر گذاری و کارایی آن در حوزه به کارگیری منابع قدرت نرم است. او در طول مبارزات انتخاباتی به شدت از تمامی ارزش‌ها و شیوه‌های آمریکایی انتقاد کرده و گفت که اقتصاد ایالات متحده به شدت در حال نابودی است و مطبوعات آمریکایی را نادرست نامید. او سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده را به بی‌عدالتی و بی‌طرفی سیاسی متهم کرد و خواستار بازگشت به شکنجه شد، اگر چه غیرقانونی است (Rugh, 11/3/2019). ترامپ با اقدامات خود آمال و آرزوهای بسیاری از دوستداران آمریکا در داخل و خارج از این کشور را بر باد داد و آنها با آمریکایی جدید روبرو شدند که جذابیت‌ها و اغواگری‌های خود در مقابل دیگران را در حال دست دادن بود. این موضوع از زمان روی کار آمدن ترامپ و اعلام استراتژی امنیت ملی وی شدت یافته است. استراتژی امنیت ملی ترامپ که در دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد، نشان دهنده ابراز شک و تردید در مورد منافع نهادهای چندجانبه و تجارت جهانی، و به جای آن تمرکز به رقابت با قدرت‌های بزرگ چین و روسیه بوده است (نای، ۲۰۱۹، ص ۷۸). ترامپ با رویگردانی از چند جانبه‌گرایی لیبرالیسم به یک جانبه‌گرایی رئالیستی روی آورده و این موضوع باعث تکدر خاطر بسیاری از همپیمانان آمریکا برای حل و فصل مسایل مهم جهانی شده است. ترس از چهره هیولایی و سخت آمریکا در نظر ترامپ تأثیر گذارتر از چهره جذاب و نرم این کشور خواهد بود. این اندیشه باور اساسی ترامپ و طرفداران او در داخل آمریکا است. به جز مبانی فکری رئالیسم و انزواگرایی خود خواسته که ترامپ از آنها تغذیه می‌کند باید به شخصیت ترامپ هم توجه کرد. ترامپ صرفاً یک سیاستمدار تندرو نیست بلکه از نقاط ضعفی مانند شلختگی فکری، نفرت، توهم و خودشیفتگی نیز رنج می‌برد (Sachs, 12/11/2018). این ویژگی‌ها با شرایط یک حکمرانی خوب و جذاب در حوزه قدرت نرم کاملاً متضاد و گمراه کننده است. از سوی دیگر، دیدگاه‌ها و عملکرد ترامپ در حوزه سیاست و حکومت پیام‌های بد و پیچیده ای را به محیط بین‌المللی ارسال می‌کند. سیگنال‌هایی حاکی از یکجانبه‌گرایی، انزواگرایی، تشویش و سردرگمی و پیروی از خواسته‌های غیر منطقی در حوزه قدرت سخت که به نابودی مفهومی قدرت نرم منجر شده است. یکجانبه‌گرایی ترامپ می‌تواند قدرت نرم آمریکا را در جهان کاهش دهد، از اعتبار این کشور نزد سایر کشورها از جمله متحدان غربی



آمریکا بکاهد و به طور مشخص به کاهش مشروعیت ایالات متحده به عنوان رهبر جهان منجر گردد (Clementi et al, 2017, p402). موضع گیری-های رهبران انگلیس، فرانسه، المان، کانادا و روسیه در برابر اقدامات ناامید کننده ترامپ در حوزه‌های قدرت نرم که باعث پیچیدگی موضوعات مهم بین‌المللی شده است حاکی از این موضوع می باشد.

۴-۳-۱ خروج از معاهده زیست محیطی پاریس

این معاهده در سال ۲۰۱۵ و زیر نظر سازمان ملل به امضای ۱۹۰ کشور جهان رسیده و یکی از پایه‌های اصلی سیاست‌های جهانی برای جلوگیری از گرمای زمین و کاهش گازهای گلخانه‌ای است. این اقدام ترامپ که در راستای جامه عمل پوشاندن به وعده‌های انتخاباتی بود، موقعیت بین‌المللی آمریکا در راستای مبارزه با آلودگی محیط زیست و پاسداشت میراث و تمدن بومیان آن کشور را با تردید روبرو کرده است. ترامپ خواستار تقویت شرکت‌های بزرگ نفت و گاز و ایجاد شغل از طریق راه اندازی طرح مذکور می باشد که نتیجه آن بالا رفتن درآمد اقتصادی آمریکا در این زمینه است، زیرا اولویت سیاست‌های او همان شعار "اول آمریکا" است. زیرساخت فکری ترامپ نسبتی با قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ندارد. نگاه ابزاری و سود محورانه به موضوع سیاست خارجی باعث شده است که وی معاهده آب و هوایی پاریس را هم یک «حقه گران قیمت» بداند که از سوی چینی‌ها طراحی شده است تا از توان رقابت آمریکا در بازار بکاهند و به همین دلیل آنرا غیر عادلانه دانسته و از آن خارج شود (Liptak & Acosta, 2017). از این پس توجه به محیط زیست و حفاظت از آن در بین دیگر کشورها در حالی که بزرگترین اقتصاد جهان یعنی آمریکا به آن و مسائل مربوط به آن بی توجه است معنا و مفهومی نخواهد داشت. خسارت‌های محیط زیستی به این زودی‌ها و شاید قرن‌ها نتوانند التیام یابند و سلامت نسل بشریت در آینده به خطر افتاده است.

۴-۳-۲ خروج از برجام

ترامپ از همان دوران تبلیغات ریاست جمهوری اعلام کرد که در صورت رسیدن به قدرت آمریکا را از توافق هسته‌ای با ایران خارج خواهد کرد، چرا که او این توافق را مغایر با منافع آمریکا می داند (Lorber, 16/11/2016). مذاکره و تعامل یکی از مهمترین عناصر دیپلماسی عمومی در حوزه سیاست خارجی و قدرت نرم است و خروج از آن و تلاش در راستای برهم زدن توافق و کشیدن پایه‌های آن رفتاری سخت افزارانه و در تقابل با قدرت نرم است. ترامپ اگر چه همه دستاوردها و میراث اوباما را بد توصیف می کند، اما بعد از خروج یک جانبه از آن همه تلاش خود را برای از بین بردن توافق هسته‌ای ایران با وجود حمایت اروپا به کار گرفته است. این در حالی است که ترامپ در



توئیتی می گوید: آمریکا باید قدرت اتمی خود را بیشتر کند و گسترش دهد تا جهان بر سر عقل بیاید (Hessler, 2017). برجام توافق نامه‌ای است که علاوه بر آمریکا با حضور روسیه، چین، آلمان، انگلیس و فرانسه به امضا رسیده و در سازمان ملل نیز طی قطعنامه ۲۲۳۱ به تصویب رسیده و عمیقاً با روابط و سیاست بین‌المللی در هم تنیده است. در کنار این توافق، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در نظارت‌ها و بازرسی‌های مکرر خود بارها و بارها (۱۵ دفعه) اعلام کرده است که ایران به تعهدات خود در برجام پایبند بوده است. به همین دلیل خروج یکجانبه از آن می‌تواند به عنوان مجوزی ویرانگر برای دولت‌های زورگو در آینده باشد تا شانه از زیر بار تعهدات بین‌المللی خود به صورت یکجانبه خالی کنند و نظم و امنیت بین‌المللی را به سخره بگیرند. بنابراین اقدامات انفرادی و یک‌جانبه گزینه مناسبی برای پیشبرد منافع ملی آمریکا از جمله تداوم نقش هژمونی جهانی این کشور نیست (کالاها، ۱۳۸۷، صص ۱۸۱-۱۷۲). راهبرد برجامی ترامپ بیش و پیش از آنکه به ایران و برجام خللی وارد کند، باعث انزوای آمریکا در سطح جهان شده است. چرا که اکنون جامعه بین‌المللی دولت ترامپ را ناقض توافقات بین‌المللی و بی‌اثر شدن توافقات مهمی مانند برجام می‌دانند نه ایران. به واقع اعمال یک جانبه ترامپ بر خلاف قوانین بین‌المللی و فاقد مشروعیت بوده و ارزش‌های مهم جهانی در حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی، تعامل و همکاری را از بین برده است.

۴-۳-۳ خروج از یونسکو

تا قبل از خروج رسمی آمریکا از این سازمان، بسیاری از اهداف نرم افزارانه و دیپلماسی عمومی آمریکا از طریق این سازمان و دیگر سازمان‌ها و نمایندگی‌های وابسته به آن به انجام می‌رسید. خروج ترامپ از یونسکو نشان دهنده راهبرد یک جانبه‌گرایی و انزواگرایی وی می‌باشد. او معتقد است که سازمان‌های بین‌المللی تا کنون هیچ کمکی به آمریکا نکرده‌اند. او می‌گوید آمریکا مدت‌ها است که از نهادها و توافقات بین‌المللی سود نبرده است (Overhaus & Brozush, 2016, p2). او مخالف نقش رهبری جهانی آمریکا بوده و به وضوح تعهدات بین‌المللی آمریکا را زیر سؤال می‌برد (Haass, 2016). بهانه اصلی ترامپ برای خروج از یونسکو عدم پرداخت تعهدات مالی خود به این سازمان و موضع‌گیری‌های ضد اسرائیلی این سازمان می‌باشد. یونسکو قبلاً فلسطین را به عنوان عضو این سازمان پذیرفته بود و اخیراً اعلام کرده بود که اسرائیل هیچ مالکیتی به بیت المقدس ندارد. از یک طرف ترامپ از تعهد ۵۰۰ میلیون دلاری آمریکا به این سازمان شانه خالی کرده و از طرف دیگر در یک اقدام سیاسی دست به تضعیف یک نهاد فرهنگی بین‌المللی در راستای حمایت از اسرائیل زده است. ترامپ



در مبارزات انتخاباتی خود این وعده را داده بود که پرداختی امریکا به سازمان ملل را کاهش خواهد داد. این رویکرد در راستای تضعیف راهبرد چند جانبه‌گرایی و نقش سازمان‌های بین‌المللی برای گفتگو و تعامل بوده و در نتیجه روش‌های سخت افزارانه جای آن را خواهند گرفت.

۴-۳-۴ خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

موضع گیری‌ها و بیانیه‌های این شورا در مورد نقض حقوق بشر توسط اسرائیل همواره مورد انتقاد آمریکا بوده و دوران پر فراز و نشیبی را طی کرده است. در سال ۲۰۰۹ اوباما با تجدید نظر در موضع گیری‌های قبلی آمریکا به عضویت این شورا درآمد. ترامپ اما در تقابل با این تصمیم گیری اوباما مانند دیگر تقابل‌ها با انتقاد از رویه این شورا در برخورد با اسرائیل در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸ از آن خارج شد. واقعیت این است که حقوق بشر جذابیتی برای ترامپ ندارد و او اعتقادی به آن ندارد. آمریکا سابقه بسیار بدی از نقض حقوق بشر از خود بر جای گذاشته است. حمله به کشورهای مستقل بدون مجوز سازمان ملل، راه اندازی زندان‌های مخوف گوانتانامو، ابو غریب و جاسوسی از شهروندان خود و دیگر کشورهای جهان همراه با اعمال شکنجه زندانیان از جمله روش غرق مصنوعی از موارد بشمار نقض حقوق بشر توسط این کشور هستند. چرا ترامپ در برابر نقض حقوق بشر در یمن، عربستان سعودی و بحرین سکوت می‌کند؟ دلارهای سعودی چشم و دهان او را بر حقایق و فجایعی که بر شهروندان آنها می‌گذرد بسته است. ترامپ پول را بهتر از هر چیزی می‌شناسد. در نظر او بهتر است آمریکا خشن و قدرتمند باشد تا جذاب و زیبا.

۴-۳-۵ تهدید به خروج از پیمان تجاری نفتا

در حوزه اقتصادی عدم اعتماد شهروندان به ثبات و اقتدار اقتصاد ملی، کاهش میزان اعتماد به سلامت اقتصاد در جامعه، شک و تردید پیوسته به مفید بودن سرمایه گذاری و مشارکت در طرح‌های اقتصادی کشور از سوی دیگر سازمان‌ها و کشورها و ناکامی الگوهای اقتصادی جلب رضایت مصرف کنندگان از عوامل کاهنده قدرت نرم کشورها هستند (افتخاری، ۱۳۹۱، ص ۵۵). ترامپ معتقد است توافق نامه‌های تجارت آزاد، معاملات تجاری فاجعه باری هستند که باید هر چه زودتر متوقف شوند. این توافقنامه‌ها توان تولید آمریکا را فلج کرده و دستمزدها را به شدت کاهش داده است (یزدان فام، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷). ترامپ اکنون بر خلاف تمام اصول لیبرالیسم در حوزه تجارت، اقتصاد و توافقات حرف می‌زند و عمل می‌کند و نگرانی شدیدی را در بین متحدان آمریکا در سطح اروپا و جهان به وجود آورده است. ترامپ در مبارزات



انتخاباتی گفته بود که این پیمان تجاری به ضرر شرکت‌ها و کارگران آمریکایی است و در صورتی که گفتگوها با کانادا و مکزیک برای اصلاح آن به سرانجام نرسد از آن خارج خواهد شد (Swanson & Granville, 2017). در حال حاضر همچنان مذاکرات آمریکا با کانادا و مکزیک برای اصلاح این پیمان وجود دارد. اما به نظر می‌رسد ترامپ می‌خواهد قاعده بازی را به هم بریزد و زمینه را برای خروج از این پیمان تجاری فراهم کند. در صورتی که این اتفاق بیفتد دیگر در آینده هیچ کشوری وارد پیمان‌های دو یا چند جانبه تجاری با آمریکا نخواهد شد و در نهایت این مسأله به ضرر نفوذ و هژمونی اقتصادی آمریکا خواهد بود.

۴-۳-۶ انتقال سفارت آمریکا به قدس

یکی از جنجالی‌ترین تصمیمات ترامپ در حوزه سیاست خارجی اعلام انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المقدس (اورشلیم) در ۱۴ می ۲۰۱۸ بود. در حالی که همه دولت‌های قبل از ترامپ برای جلوگیری از تضعیف روند صلح بین اعراب و اسرائیل هیچ اقدامی در این زمینه انجام نمی‌دادند اما ترامپ به یکباره وعده خود را آن هم در هفتادمین سالگرد تأسیس رژیم اسرائیل که در فلسطین به نام روز "نکبت" شناخته می‌شود عملی کرد. ترامپ با این تصمیم ضمن بی‌احترامی به نظرات سازمان ملل و همپیمانان خود در اتحادیه اروپا، جهان اسلام و اعراب، تمام اصول و ارزش‌های دموکراتیک در تعهد آمریکا به میانجیگری عادلانه برای حل و فصل مناقشات بین اسرائیل و فلسطین را بر باد داد و به همه نشان داد که هیچ اعتقادی به دیپلماسی و مذاکره برای یافتن راه حل موضوعات سیاسی ندارد. وی بدون در نظر گرفتن تعهدات قبلی آمریکا در موضوع فلسطین با طرح موضوع "معامله قرن" آخرین میخ را بر تابوت طرح صلح فلسطین زد و عدم کارکرد اقدامات جامعه جهانی در بازگرداندن اسرائیل به انجام تعهداتش در برابر فلسطین را نشان داد. ترامپ با عدول از ارزش‌های لیبرالیسم، به رئالیسم و یکجانبه‌گرایی انزواطلبانه در این مسأله روی آورده و با تکیه بر حمایت اسرائیل و خشنودی آنها قدرت نرم آمریکا در جذب و همکاری با جریان‌های فلسطینی را تنزل داده است.

۴-۳-۷ وضع قوانین ضد مهاجرتی و نژادپرستانه

ترامپ در سخنرانی‌هایش در مورد مهاجران فقط با ورود و پذیرش مهاجران در کشورش مخالف نیست، بلکه وی در سخنرانی‌هایش مشخص کرده که مذهب، ملیت، ایدئولوژی، فرهنگ و ارزش‌ها و باورهای افراد مهاجر برای او مهم است و از معیارهای پذیرش مهاجران است (عابدینی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۵۲). حتی ترزا می نخست‌وزیر



انگلستان ضمن اعتراض به دیدگاه‌های نژاد پرستانه ترامپ می‌گوید: من هیچ تشابهی بین کسانی که دیدگاه‌های فاشیستی ابراز می‌کنند و کسانی که با آن مخالفت می‌کنند نمی‌بینم. فکر می‌کنم برای تمام مسئولان مهم است که دیدگاه‌های راست‌گرایان افراطی را محکوم کنند (دویچه وله، ۲۰۱۷). بنابراین سیاست‌های جدید ترامپ علاوه بر اینکه رنگ و بوی نژاد پرستی دارد خواهان محدود کردن ورود مهاجران به این کشور به بهانه‌های مختلف است. این در حالی است که در نظریه‌های "جهانی شدن" و "دهکده جهانی" پیش‌بینی شده است که جهان به سمت اتحاد و گسترش ارزش‌های جهان آزاد و "امریکایی شدن" حرکت کند و این خود بخش مهمی از پروژه قدرت نرم و تولید جذابیت و اغواگری از سوی کشورهای غربی است. اما اکنون ترامپ در حال تخریب یکی از پایه‌های اصلی این پروژه از طریق محدودیت‌های مهاجرتی برای اتباع دیگر کشورهاست که به دیدگاه‌های نرم‌افزارانه این کشور آسیب جدی وارد کرده است. برخوردهای سختگیرانه و خشن با مهاجران و اقداماتی مانند جدا کردن فرزندان از والدین و عدم رسیدگی به درخواست‌های انسانی آنها ویران‌کننده جذابیت‌های نرم‌افزارانه لیبرال دموکراسی در چشم جهانیان است. ترامپ در همان هفته اول شروع به کار خود در کاخ سفید فرمان اجرایی ممنوعیت ورود اتباع شش کشور مسلمان از جمله ایران، سوریه، سودان، سومالی، لیبی و یمن را به آمریکا صادر کرد (Thrush, 2017). رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌تواند همزمان بزرگ‌ترین تولیدکننده قدرت نرم باشد و از سوی دیگر بخش مهمی از مردم جهان و حتی اتباع و شهروندان خود را تروریست بنامد. این موضوع با ارزش‌های قدرت نرم در تضاد است و جریان نرم‌افزارانه دیپلماسی عمومی و تولید جذابیت را با مشکل مواجه می‌کند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱ بحث

این مقاله بر مبنای نظریه قدرت نرم و برای ارزیابی کاهش قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ سامان یافته است. همانطور که گفته شد نای معتقد است که قدرت نرم از سه منبع فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی تشکیل شده است. یکی از مهمترین جلوه‌های بروز و اعمال قدرت نرم شیوه حکمرانی و رهبری سران یک کشور برای ایجاد جذابیت و اقناع و جلب توجه دیگران است. تحقیقات پیشین در این حوزه نشان داده است که آمریکا از منابع بسیار زیاد و قدرتمندی در راستای افزایش و به کارگیری قدرت نرم خود برخوردار است اما نوع مواجهه و نگاه رهبران این کشور



به این ابزارها و منابع، میزان اثر گذاری قدرت نرم این کشور در محیط بین المللی را مشخص کرده است. اوپاما در یک دوره مهم رهبری امریکا توانست با عمل به آموزه های نرم افزارانه قدرت نرم و در راستای تقویت دیپلماسی عمومی و نمایشی جذب از حکمرانی خود در سطح محیط بین المللی توجه دیگران را به افزایش نفوذ و قدرت نرم امریکا معطوف کند. اما با روی کار آمدن ترامپ و با توجه به ویژگی های اخلاقی و شخصیتی وی که فردی دروغگو و خود شیفته نامیده شده است، دوران کاهش و افول قدرت نرم این کشور در دوران حکمرانی و رهبری ترامپ آغاز شد. اقدامات وی در راستای مخالفت با اقدامات داخلی و بین المللی اوپاما و عمل به دیدگاه های سخت افزارانه و خروج از توافقات و معاهدات بین المللی و در پیش گرفتن یکجانبه گرایی مبتنی بر {حمایت گرایی و سود اقتصادی}، {انتقادهای} را به این کشور روزافزون کرد. به طوریکه نزدیک ترین متحدان وی یعنی اروپا و کانادا از اقدامات سخت و شتاب زده وی به تنگنا آمده اند.

۵-۲ نتیجه گیری

بهره گیری از منابع قدرت نرم و استفاده از آنها برای کسب نتایج مطلوب در سیاست خارجی و دیگر حوزه های حکومتداری امری رایج و شناخته شده است. بسیاری از کشورها در صدد شناسایی ابزارها و منابع نرم افزارانه خود برای کاهش هزینه ها و جلوگیری از خشونت و اجبار در دست یابی به اهداف خود هستند. قدرت نرم ضمن تقویت وجهه مثبت و جذاب از یک حکومت، دست یابی به اهداف را در یک مسیر روان و روشن امکان پذیر می سازد. ایالات متحده تا قبل از ظهور ترامپ و بعد از فروپاشی شوروی سابق قدرتی استثنایی در به کارگیری منابع قدرت نرم شناخته می شد. این کشور با برخورداری از منابع متعدد و متنوع قدرت نرم در حوزه های فرهنگی، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی جزو سرآمدان این موضوع بوده است. اما با ظهور ترامپ و اعلام دکتترین وی به خصوص در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی اوضاع به گونه ای دیگر رقم خورده است. دکتترین ترامپ مبتنی بر واقع-گرایی، یکجانبه گرایی و حمایت گرایی از اقتصاد امریکا بوده است. ترامپ با ویژگی های شخصیتی منحصر به فرد و رویکردی یکجانبه گرا در مسایل بین المللی در راستای نابودی ارزش های نرم افزارانه امریکا قدم بر می دارد. بر هیچ کسی پوشیده نیست که ارزش های لیبرالیسم بیشترین منابع و ابزارهای قدرت نرم را در اختیار امریکا گذاشته است اما حکمرانی بد و نامطلوب ترامپ باعث ناکارآمدی و اثر گذاری منفی این منابع برای امریکای ترامپ شده است. خروج ترامپ از معاهدات و توافق نامه های چند جانبه بین المللی که به



"دکترین خروج" معروف شده است بیشترین ضربه را به عملکرد قدرت نرم آمریکا زده است. ترامپ با حمایت‌های بی‌حد و حصر از صنایع و تولیدکنندگان آمریکایی همه اعتبار آمریکا در توافق نامه‌های چند جانبه بین‌المللی را به سخره گرفته و با خروج از آنها امضاء و قول دولتمردان آمریکا را به جوک تشبیه کرده است. او نشان داده که اعتقادی به حق انسان‌ها برای مهاجرت ندارد و کودکان را از والدینشان جدا می‌کند، او حق اعراب را در قضیه فلسطین برای خوشامد اسرائیل و نتانیاهو نادید می‌گیرد و از برجام و معاهده زیست محیطی پاریس علی‌رغم مخالفت متحدان نزدیکش در اروپا خارج می‌شود و در حقیقت با این رفتارها ناامنی را به جهان و بشریت پیش رو دیکته می‌کند. این رفتارهای ترامپ جذابیت‌ها و قدرت اقناع و توجیه‌گری آمریکا را در چشم جهانیان از بین برده است و به همین دلیل جایگاه قدرت نرم آمریکا در دوران ترامپ به رتبه چهارم جهانی افول می‌کند. بی‌توجهی به ارزش‌ها و اصول مسلم دیپلماسی عمومی و نادیده گرفتن توافقات و تعهدات پایه‌های قدرت نرم آمریکا را سست کرده و به ویرانی کشانده است. سردرگمی در سیاست‌های اعلام شده ترامپ و اختلاف بین مشاوران وی و همچنین سوق دادن دولت به سمت جنگ و اقدامات سخت در حوزه سیاست خارجی مخالف آموزه‌های نرم افزارانه است. اشاره به این نکته لازم است که بیان مسایل فوق به معنی نابودی منابع قدرت نرم آمریکا در آینده نزدیک نیست بلکه هشدار به عملکرد ترامپ است در کاهش میزان اثرگذاری قدرت نرم آمریکا؛ که اگر در آینده این رویه به یک جریان سیاسی با نام "ترامپیسم" در آمریکا تبدیل شود در نهایت آمریکای جذاب و آزاد در اندیشه مردم جهان، برشی از یک دوره تاریخی بیش نخواهد بود. البته باید دانست که بازگرداندن اعتماد به جامعه جهانی پس از اقدامات مخرب ترامپ نیز امری سهل و آسان نخواهد بود اما می‌توان به آن سمت حرکت کرد. نتیجه این امر را در سال ۲۰۲۰ که دوره جدید ریاست جمهوری آمریکا آغاز می‌شود را می‌توان دید.

۵-۳ پیشنهادها

- ۱- نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از قدرت نرم امری نسبی است و علاوه بر برخورداری از منابع و ابزار مناسب رهبران کشور نیز باید درک صحیحی از رفتار و اقدامات تأثیرگذار خود در این حوزه به دست آورند.
- ۲- شناخت تغییرات تاکتیکی و راهبردی کشورهای قدرتمند در حوزه قدرت نرم به سیاستگذاران دیگر کشورها در تدوین راهبردهای مقابله با جنگ نرم آنها کمک بسیار زیادی می‌کند.



۳- ترامپ با عدم درک صحیح از منابع قدرت نرم آمریکا در حال نابودی قدرت هوشمند این کشور است. به طوری که درخواست مذاکره با ایران و همزمان فرستادن پهپاد جاسوسی نه تنها سودی برای این کشور نداشته بلکه موجب خدشه به اعتبار جهانی این کشور شده است.

۴- سردرگمی موجود در دستگاه محاسباتی و راهبردهای سیاست خارجی و داخلی دولت ترامپ فرصت خوبی را برای ارتقا و تقویت عناصر قدرت نرم دیگر کشورها فراهم آورده است.

۵- جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مورد حمله جنگ نرم آمریکا می تواند با مذاقه در ترتیبات و تغییرات قدرت نرم این کشور برای به روز آوری و توانمند سازی اقدامات و سیاست های خود اقدام کند.

۶- منابع

۱-۶ منابع فارسی

الف) مقاله ها

۱. آدمی، علی؛ قرشی، سیده مهدیه، (۱۳۹۴). افول قدرت نرم آمریکا، شاخص ها و مؤلفه ها، سیاست جهانی، شماره ۱۴، صص ۲۴۰-۲۰۳
۲. افخمی، علی؛ عابدینی، سیروس؛ محمودی بختیاری، بهروز، (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی های دونالد ترامپ در مورد مهاجران، فصلنامه زبان شناسی اجتماعی، دوره دوم، شماره اول، صص ۶۴-۵۳
۳. دلیرپور، پرویز، (۱۳۹۱). زوال قدرت نرم ایالات متحده آمریکا، مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ۷، صص ۶۲-۴۵
۴. رفیع، حسین؛ قربی، سیدمحمد جواد، (۱۳۸۹). کالبد شکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۱۳۸-۱۱۷
۵. سلیمان زاده، سعید؛ امیدی، علی؛ براتی، سحر، (۱۳۹۷). راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوا گرای- واقع گرایی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۲۸۳-۲۶۹
۶. سعیدی، روح الامین، (۱۳۸۹). بررسی نقش فرهنگ به عنوان ابزار قدرت نرم با تاکید بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا، ره آورد سیاسی، شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۱۱۴-۸۵
۷. شرف الدین، سید حسین، (۱۳۸۴). قدرت نرم آمریکا و ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۸، شماره ۳، ص ۵۲



۸. کریمی فرد، حسین، (۱۳۹۶). سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۳۰۲-۲۸۵
۹. گودرزی، سهیل؛ سلطانی نژاد، احمد؛ زهرانی، مصطفی؛ اسلامی، محسن، (۲۰۱۸). ترامپ و چشم انداز راهبرد امنیت ملی ایالات متحده: گذار از چندجانبه گرایی به یکجانبه گرایی، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره ۴۸، صص ۲۲۹-۲۱۰
۱۰. مرادی، حجت‌اله؛ امانلو، حسین، (۱۳۹۲). افول قدرت نرم آمریکا، مطالعات عملیات روانی، شماره ۳۷، صص ۱۴۸-۱۳۵
۱۱. ۱۱-نای، جوزف، (۱۳۸۲). قدرت نرم، ترجمه محمد حسینی مقدم، راهبرد، شماره ۲۹، صص ۳۸۰-۳۶۳
۱۲. نای، جوزف، (۱۳۹۰). گفتگوی اینترنتی با جوزف نای مبدع نظریه قدرت نرم، ماهنامه روابط فرهنگی، سال اول، شماره ۴، صص ۸-۴
۱۳. یزدان فام، محمود، (۱۳۹۵). سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره ۴، صص ۱۶۴-۱۳۹

ب) کتاب‌ها

۱. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱). تهدید نرم: رویکردی اسلامی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ص ۵۵
۲. ام‌استفان، والت؛ جی جان، ایکنبری، (۱۳۸۲). تنها ابر قدرت، تدوین: جی جان ایکنبری، ترجمه: عظیم فضلی پور، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ص ۲۵۵
۳. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۸۵). آمریکا بر سر تقاطع: دموکراسی، قدرت و میراث جریان نومحافظه کاری در آمریکا، ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: نشر نی، صص ۴۵-۴۴
۴. کالاهان، پاتریک، (۱۳۸۷). منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا، ترجمه داود غرایاق زندی، محمود یزدان فام و نادر پور آخوندی، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. نای، جوزف الف، (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی شدن، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۴۶-۴۳
۶. نای، جوزف ب، (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، صص ۱۳۹-۸۵
۷. نای، جوزف ج، (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ص ۳۷



ج) منابع اینترنتی

۱. ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا به وجهه آمریکا لطمه زده است، (۱۳۹۸/۵/۲۹)، پایگاه اینترنتی حقایق آمریکا به نقل از مرکز تحقیقات پیو [/https://usfacts.ir/1397/03](https://usfacts.ir/1397/03)
۲. وضعیت نرم ایران بر اساس شاخصه‌های قدرت نرم مؤسسه پورتلند، (۱۳۹۷/۳/۲۹)، پایگاه اینترنتی شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی
۳. دونالد ترامپ، ترزای می و سرنوشت اروپا، (۲۷، ژانویه، ۲۰۱۷)، پایگاه اینترنتی دوپچه وله

۶- منابع لاتین**Articles**

4. Brett, Kevin, Schaefer, Todd. (2019). Formalizing the American brand: the case for the US culture, language, and soft-power institutes, *Place Branding and Public Diplomacy*, June 2019, Volume 15, Issue 2, pp 124-133
5. Caroline Mortimer. (2017). Trump poll: 'Idiot' most common word used by voters to describe US President, <https://www.independent.co.uk/news/world/americas/us-politics/trump-poll-idiot-common-words-voters-use-describe-us-president-quinnipiac-university-a8107301.html>
6. Larres, Klaus. (2017). "Donald Trump and America's Grand Strategy: U.S. foreign policy toward Europe. Russia and China". Available at: <http://www.globalpolicyjournal.com/articles/conflict-and-security/donald-trump-and-america%E2%80%99s-grand-strategy-us-foreign-policy-toward-eu>.
7. Nye Jr, J. S. (2019). The rise and fall of American hegemony from Wilson to Trump. *International Affairs*, 95(1), 63-80
8. Nye, J. S. (2019). Soft Power and Public Diplomacy Revisited. *The Hague Journal of Diplomacy*, 14(1-2), 7-20
9. Nye, Joseph. (2003). "Us Power and Strategy after Iraq", *Foreign affairs*, Volume 82, Number 4. July/August.
10. Nye Jr, J. S. (2019). The rise and fall of American hegemony from Wilson to Trum, *International Affairs*, Volume 95, Issue 1, 1 January 2019, Pages 63-80, <https://doi.org/10.1093/ia/iyy212>
11. Overhaus, Marco and Brozush, Lars. (2016). "US Foreign Policy after the 2016 Elections Presidential Contenders' Opposing Concepts and Domestic Political Dynamics". Available at:
12. https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2016C33_ovs_bzs.pdf. pp 1-14



13. Pan, Chengxin, Isakhan, Benjamin, Nwokora, Zim. (2019). Othering as soft-power discursive practice: China Daily's construction of Trump's America in the 2016 presidential election, First Published April 17, 2019 Research Article ,<https://doi.org/10.1177/0263395719843219> Article information
14. Quinn, Adam, Kitchen, Nicholas. (2019). Understanding American Power: Conceptual Clarity, Strategic Priorities, and the Decline Debate, *Global Policy* Volume 10 . Issue 1 . February 201
15. Richard Wike, Bruce Stokes, Jacob Poushter and Janell Fetterolf. (2017). U.S. Image Suffers as Publics Around World Question Trump's Leadership, America still wins praise for its people, culture and civil liberties, <http://www.pewglobal.org/2017/06/26/worldwide-few-confident-in-trump-or-his-policies/>
16. Rose, Andrew K. (2019). Agent Orange: Trump, Soft Power, and Exports, NBER Working Paper No. 25439, January 2019, JEL No. F14,F59
17. Root, H. L., & Li, Y. (2016). The Hypocrisy Trap and US Soft Power. Available at SSRN 2716725.
18. Walker, C. (2016). The Hijacking of" Soft Power". *Journal of Democracy*, 27(1), 49-63.
19. Books
20. Clementi, M. and Dian, M. and Pisciotta, B. (2017). *US Foreign Policy in a Challenging World: Building Order on Shifting Foundations*. 1st ed. Springer.
21. Hessler, Lee. (2017). Militarism and the Trump agenda, *Liberation*, Feb 10, 2017, Available at:<https://www.liberationnews.org/militarism-and-the-trump-agenda/>.
22. Haass, R. (2016). "The Isolationist Temptation". *The Wall Street Journal*. Available at: <https://www.wsj.com/articles/the-isolationist-temptation-1470411481>(accessed 10 May 2019).
23. Lorber, Eric B. (November 16, 2016). President Trump and the Iran Nuclear Deal, *Foreign Policy*, <http://foreignpolicy.com/2016/11/16/president-trump-and-the-iran-nuclear-deal>.
24. Liptak, K. and Acosta, J. (2017). "Trump on Paris accord: 'We're getting out'". *CNN*. Available at: <http://www.cnn.com/2017/06/01/politics/trump-paris-climatedecision/index.html> (accessed 1 May 2019).
25. Lukes Steven. (2007). "Power and the Battle for Hearts and Minds: On the Bluntness of Soft Power", in *Power in World Politics*, London & New York: Routledge.
26. Nye, J. S. Jr. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.p 50



27. Nye, Joseph. (2011). Future of Power, Publisher :PublicAffairs.
28. Portland Consultancy, The Soft Power 30: a global ranking of soft power (London: Portland Consultancy, 2019).
29. Yavuzaslan, K., & Cetin, M. (2016). Soft Power Concept and Soft Power Indexes. In Business Challenges in the Changing Economic Landscape-Vol. 1 (pp. 395-409). Springer International Publishing.
30. Websites
31. Courtney McBride. (2019). Trump Keeps the Pressure on State Department Spending, Available at: <https://www.wsj.com/articles/trumps-keeps-the-pressure-on-state-department-spending-11552326475>
32. Nye, Joseph. (2019).“ American Soft Power in the Age of Trump, May 6, 2019. Available at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/american-soft-power-decline-under-trump-by-joseph-s-nye-2019-05>
33. Rugh, WA. (2019/3/11). President Trump and America’s Soft Power, <https://www.palgrave.com/gp/palgrave/campaigns/us-elections-and-politics/president-trump-and-america-s-soft-power/11996866>
34. Sachs, D. Jeffrey (2018), “Trump’s Diminishing Power and Rising Rage“.Available at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/weaker-trump-more-unstable-and-dangerous-by-jeffrey-d-sachs-2018-11?barrier=accesspaylog> (accessed 25 May 2019)
35. Swanson, A. and Granville, K. (2017). “What Would Happen if the U.S. Withdrew From Nafta”. Nytimes.com. Available at: <https://www.nytimes.com/2017/10/12/business/economy/what-would-happen-if-the-us-withdrewfrom-nafta.html> (accessed 13 May 2019)
36. Thrush, G. (2017).“Trump’s New Travel Ban Blocks Migrants from Six Nations, Sparing Iraq”. Nytimes.com. Available at: <https://www.nytimes.com/2017/03/06/us/politics/travel-ban-muslim-trump.html> (accessed 2 December 2017).
37. Wright, Thomas. (2016). “The 2016 presidential campaign and the crisis of US foreign policy”. Available at: <https://www.lowyinstitute.org/publications/2016-presidential-campaign-and-crisis-us-foreign-policy>.
38. What is Soft Power?(2019). <https://softpower30.com/what-is-soft-power/>
39. <http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=182213>
40. <http://www.dw.com/fa-ir -37294691>

